

علامه حلّی

ابومنصور جمال‌الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی معروف به علامه حلّی، از علمای شیعه قرن هشتم قمری بود.

زندگی

وی در شب جمعه ۲۷ رمضان ۶۴۸ قمری، برابر ۹ دی ۶۲۹، در شهر حله به دنیا آمد.

نیاکان او از طرف پدر به اهل مطهر که خاندانی اهل تقوا و دانش بوده‌اند می‌رسد و همچنین از طرف مادر با محقق حلّی که دایی او بوده پیوند دارد.

شروع فراگیری دانش

او چند سال بیشتر نداشت که با راهنمایی پدرش برای یادگیری قرآن به مکتب می‌رود و خواندن و نوشتن را در مکتب می‌آموزد ولی به این مقدار راضی نشده و نزد استادی بنام محرم رفته و کتابت خط را بخوبی نزد او فرامی‌گیرد سپس مقدمات و ادبیات عرب و علوم فقه، اصول فقه، حدیث و کلام را نزد پدرش شیخ یوسف سدید الدین و دایی‌اش محقق حلّی می‌آموزد، او در ادامه علوم منطق، فلسفه و هیئت را نزد اساتید دیگرش بویژه شیخ طوسی می‌آموزد و قبل از رسیدن به سن بلوغ به درجه اجتهاد نایل می‌شود و به سبب کسب فضیلت‌های بسیار در سن کم در نزد خانواده و دانشمندان به جمال الدین مشهور می‌شود.

مرجعیت شیعیان

پس از وفات محقق حلّی در سال ۶۷۶ قمری که مرجعیت شیعیان را برعهده داشت، شاگردان وی و دانشمندان حله پس از جستجوی فردی که شایستگی زعامت و مرجعیت شیعیان را داشته باشد علامه حلّی را برای این امر مهم مناسب می‌ابند و او با اینکه تنها ۲۸ سال سن داشت زعامت و مرجعیت شیعیان را بر عهده می‌گیرد

ورود به ایران

تاریخ دقیق ورود او به ایران مشخص نیست اما احتمالاً سالهای بعد از ۷۰۵ قمری بوده است که او به دعوت الجایتو از پادشاهان سلسله ایلخانیان که حاکم بر ایران بودند به ایران دعوت می‌شود و در مجلسی به مناظره با دانشمندان مذاهب فقهی ۴گانه اهل سنت از جمله خواجه نظام الدین عبدالملک مراغه‌ای می‌پردازد و موفق به شکست آنان می‌شود.

پس از این جلسات ولایت و امامت علی بن ابیطالب و مذهب شیعه در نزد پادشاه اولجایتو به اثبات رسیده و وی مذهب شیعه را برمی‌گزیند و نام خود را به سلطان محمد خدابنده تغییر می‌دهد و تشیع را در ایران رواج می‌دهد. که از آن روز تا زمان مرگ سلطان محمد خدابنده علامه در ایران می‌ماند و به نشر معارف و فرهنگ تشیع می‌پردازد. در تمامی مسافرتها ملازم وی می‌شود و به پیشنهاد سلطان مدرسه سیاری از خیمه و چادر ساخته می‌شود که در تمام مسافرتها حمل شده و در هر کجا که کاروان اقامت می‌کرده علامه به تدریس و مباحثه مشغول می‌شده است.

بازگشت به حله

علامه پس از مرگ سلطان محمد خدابنده در سال ۷۱۶ قمری به شهر حله بازمی‌گردد و تا آخر عمر در آنجا اقامت می‌کند و سرانجام در ۲۱ محرم ۷۲۶ قمری در سن ۷۸ سالگی از دنیا می‌رود و در حرم امام اول شیعیان به خاک سپرده می‌شود. (از ایوان طلای امیرالمومنین دربی به رواق علوی گشوده می‌شود که پس از ورود به سمت راست حجره کوچک دارای پنجره فولادی مدفن مخصوص علامه حلی است)

آثار فقهی

۱. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب
۲. تلخیص المرام فی معرفه الاحکام
۳. غایه الاحکام فی تصحیح تلخیص المرام
۴. تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه
۵. مختلف الشیعه فی احکام الشرعیه
۶. تبصره المتعلمین فی احکام الدین
۷. تذکره الفقهاء، ارشاد الازدهان فی احکام الایمان

٨. قواعد الاحكام فى معرفه الحلال و الحرام
٩. مدارك الاحكام
١٠. نهايه الاحكام فى معرفه الاحكام
١١. المنهاج فى مناسك الحاج
١٢. تسبيل الاذهان الى احكام الايمان
١٣. تسليك الافهام فى معرفه الاحكام
١٤. تنقيح قواعد الدين
١٥. تذهيب النفس فى معرفه المذاهب الخمس
١٦. المعتمد فى الفقه
١٧. رساله فى واجبات الحج و اركانه
١٨. رساله فى واجبات الوضو و الصلوه